



تحلیل و بررسی اندیشه های اجتماعی دهخدا

پدیدآورده (ها) : ترابی فراسانی، سهیلا؛ بهزادی، علی
تاریخ :: تاریخ پژوهی :: بهار 1396 - شماره 68
از 7 تا 31

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1227364>

دانلود شده توسط : سهیلا ترابی
تاریخ دانلود : 26/02/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تحلیل و بررسی اندیشه‌های اجتماعی دهخدا

دکتر سهیلا ترابی فارسانی^۱

علی بهزادی^۲

چکیده

ایران در عصر قاجاریه تحولات جدید و نوظهوری را تجربه کرد. دخالت‌های بیگانگان، اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی، ناآشنایی بافت سنتی جامعه با مدرنیته و تجدد از عوامل اصلی در انحطاط سیاسی و اجتماعی این دوره شناخته می‌شود. در این خصوص آشنایی افرادی چون علی اکبر دهخدا با مظاهر تمدن و فرهنگ غرب و همچنین شکل‌گیری تحولات فکری جدید در میان تحصیل‌کردگان و روشنفکران جامعه ایران بسیار مهم است. دهخدا با پیوستن به جرگه مشروطه خواهان و با نگارش مقالات و اشعار، روش منحصر به فردی در مبارزه با مفاسد اجتماعی و بیش از همه مقابله با بی‌سوادی و ناآگاهی عامه مردم ایران در پیش گرفت. در این مقاله کوشیده شده است، اندیشه‌های اجتماعی دهخدا از فعالیت‌ها و نوشته‌های دهخدا استخراج شود. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی فعالیت‌ها، اعمال، کنش‌ها، نوشته‌ها و مقاله‌های دهخدا با تکیه و تأکید بر حیات اجتماعی وی است.

کلیدواژه‌ها: مشروطیت، دهخدا، فعالیت و اندیشه‌های اجتماعی، مبارزه بی‌سوادی.

tfarsani@yahoo.com

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

Ali Akbar Dekhoda's Social Ideas

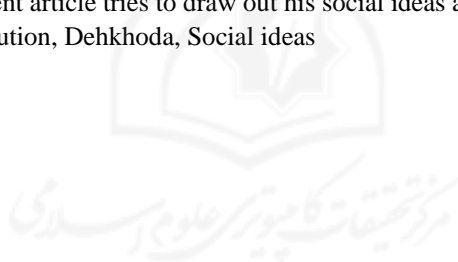
Soheila Torabi Farsani ¹

Ali Behzadi ²

Abstract

Iran in Qajar Periods witnessed newfound developments. Foreign interference, poor economic conditions, split between traditional society and modernity were some of main factors in social and political decline. In such situation people like Ali Akbar Dekhoda who were familiar with western modernity had a major role in intellectual developments among academics and intellectuals in Iran. Dekhoda as a constitutionalist had a unique role in activities against social corruptions and Above all confronting illiteracy and the public's ignorance in Iran through his poems and other writings. Present article tries to draw out his social ideas and from his works.

Key words: Constitution, Dekhoda, Social ideas



1. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad university of Najaf Abad
2. MA. Student in History, Islamic Azad university of Najaf Abad.

از زمانی که تاریخ به مثابه علم شناخته شده است، روند تکاملی و سیر تاریخی وقایع و به دنبال آن اندیشه‌های حاکم بر یک کشور نیز بهتر شناخته و مورد بررسی واقع می‌شود. بخش کردن و قسمت‌بندی تاریخ (چه به دوره‌های مختلف و چه به اشخاص) و بررسی‌های جزئی و خرد و تحقیقات همزمان آن در نهایت منجر به نتایج کلان می‌شود. بررسی شخصیت‌های مؤثر کشور نیز به‌عنوان تحقیقی موردی و جزئی همین پایه ارزش دارد. دهخدا یکی از شخصیت‌های ممتاز و مؤثر تاریخی ایران معاصر با سابقه فعالیت در عرصه سیاسی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی است. از این رو، در این مقاله کوشش بر آن است تا به کمک علم تاریخ اندیشه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی علامه دهخدا با توجه به آثار و احوال او تحلیل و بررسی شود. اندیشه‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی دهخدا با وجود نقش عمده‌ای وی در تاریخ، سیاست و حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و ادبی ایران معاصر، مورد غفلت واقع شده است. آنچه نیز در این موارد یافت می‌شود، بیشتر به صورت نامنجم و در ضمن مقالات و تحقیقات دیگر محدود و منحصر شده است؛ بنابراین فقدان مقاله‌ای مجزا به روش تحلیلی در این حیطه احساس می‌شود. با توجه به جستجوی نگارندگان در منابع آرشیوی، اثری تحلیلی انتقادی در زمینه فعالیت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی دهخدا وجود ندارد. بدین سبب به نگارش این مقاله اقدام شد.

الف) وضعیت ایران در بحبوحه مشروطیت و مختصری از زندگی دهخدا

عمده فعالیت سیاسی دهخدا حول محور مشروطه و مبارزه علیه محمدعلی شاه و تلاش برای رسیدن به فضایی باز و آزاد در ایران است؛ از این رو، در اینجا فرض است شمه‌ای از مشروطیت و ایران در آستانه مشروطه گفته شود. یکی از رویدادهای بزرگ تاریخ ایران، انقلاب مشروطیت ۱۹۰۹-۱۹۰۵ / ۱۳۲۷-۱۳۲۳ است. این انقلاب پایانی بر شیوه فرمانروایی سنتی در ایران بود که در آن «شاه، سایه خداوند در زمین بدون هیچ‌گونه محدودیت قانونی و سازمانی بر رعایایش فرمانروایی می‌کرد».^۱ اگر کشور ایران در آستانه انقلاب مشروطیت مورد بررسی و تدقیق

۱- آبراهامیان، پرواندا، ۱۳۷۶، *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه، ص: ۱۰۸.

انتقادی واقع شود، چند نکته به دست می‌آید:

۱. بسیاری از مردم روستانشین و عشایر هستند؛ از جمعیت ۸ تا ۱۰ میلیونی ایران بیش از ۸۰ درصد آن‌ها ایلیاتی، کوچ‌نشین و روستایی هستند؛^۱
 ۲. تنها ۵ درصد مردم باسواد هستند؛^۲
 ۳. اقتصاد ایران بیشتر بر پایه کشاورزی و تمرکز در روستاها بود؛^۳
 ۴. از نظر بروکراسی ایران ضعیف است، تنها محدود به دربار و حکام و رؤسا می‌شود.^۴
- اما مشروطه‌خواهی مقدمه‌ای برای حاکمیت مردم در کشور شد تا نمایندگانشان را خود انتخاب و نمایندگان نیز قوانین، بودجه‌ها، امتیازات و قراردادهای خارجی را تصویب یا رد کنند.^۵

ایران در آستانه مشروطیت در وضعیت بحرانی به سر می‌برد، از این‌رو زمینه برای ایجاد انقلاب فراهم شد؛ هرچند این انقلاب ناکام ماند، همان‌طور که مهدی رهبری (۱۳۸۷) در کتاب *مشروطه ناکام* می‌گوید. حتی کسانی مانند کاتوزیان^۶ در کتاب *تضاد دولت و ملت*، در مقاله «آزادی و لجام گسیختگی در انقلاب مشروطیت»، مشروطیت را در زمره انقلاب به معنای واقعی قلمداد نمی‌کنند. بیگانگانی که زمان آن را درک کردند با چاشنی بدبینی آن را نوعی بی‌نظمی قلمداد می‌کنند و حتی آن را مناسب احوال ایران نمی‌دانند.^۷ ایران عصر قاجار، نوعی نظام سلطنتی استبدادی است که این نظام نه تنها دیوانسالاری قابل توجهی ندارد، بلکه حتی به سبب شیوه آبیاری غیرمتمرکز آن (قنات)، قدرت اجتماعات و ذی‌نفوذان محلی در مقابل

۱- عیسوی، چارلز، ۱۳۶۲، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، ص: ۷۴.

۲- هالیدی، فرد، ۱۳۵۸، *دیکتاتوری و توسعه در ایران*، ترجمه فضل‌الله نیک آیین، تهران: امیرکبیر، ص: ۲۲.

۳- عیسوی، همان، ص: ۶۵.

۴- مستوفی، عبدالله، ۱۳۷۱، *شرح زندگانی من*، ج ۱ و ۳، تهران: زوار، صص: ۳۸-۴۲.

۵- آبراهامیان، همان، ص ۱۰۸.

۶- کاتوزیان، محمدعلی همایون، ۱۳۸۵، *هشت مقاله در تاریخ و ادب معاصر*، تهران: مرکز، صص: ۱۸۱-۱۴۹.

۷- زینویف، ایوان الکسیویچ، ۱۳۶۲، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، تهران: اقبال، ص: ۱۷.

حکومت مرکزی بیشتر است.^۱ مشاهده ظلم و ستم ایادی و اعوانان شاه، هدر رفتن و خروج منابع مالی از ایران و فقر و جهل و عقب‌ماندگی فرهنگی برخی از مردم جامعه ایران را از غفلت بیدار کرد. این قشر روشنفکر، تحصیل کرده و اغلب جوان، سلاح فکر و کلام را به کف گرفتند و با ایجاد انجمن‌ها و انتشار روزنامه، کتاب و مطالب گوناگون به آگاهی مردم پرداختند.^۲ سرانجام در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت به امضای مظفرالدین شاه رسید. مجلس برپا و اختیارات شاه محدود و بخش اعظم این اختیارات به مجلس واگذار شد،^۳ اما پس از چندی این مجلس تسلیم خواسته‌های بیگانگان شد و محمدعلی شاه نیز که نمی‌توانست محدودیت اختیارات خود را بپذیرد، با مجلس مخالفت کرد و آن را به توپ بست.^۴

مشروطه از بدو تولد خود طبعاً و قاعدتاً هم حامیان و هم مخالفانی داشته است؛ میرزا علی اکبر قزوینی (بعدها دهخدا) یکی از حامیان مشروطه است.

دهخدا در سال ۱۲۹۷ قمری (۱۲۵۸ خورشیدی) در تهران به دنیا آمد. پدرش، خانباخان قزوینی، هنگامی که علی اکبر ۹ ساله بود درگذشت. مادرش سرپرستی او را عهده‌دار شد. دهخدا با وجود کم سن، از محضر حاج شیخ هادی نجم‌آبادی (به علت مجاورت) استفاده کرد. سپس نزد شیخ غلامحسین بروجردی به مدت ده سال تعلیم دید^۵ و در نهایت به تحصیل در مدرسه علوم سیاسی مشغول شد. در این مدرسه، زبان فرانسه را آموخت. محمدحسین فروغی

۱- آبراهامیان، همان، ص: ۱۲.

۲- یمینی، پرستو، ۱۳۸۴، «نقش علی اکبر دهخدا در ادبیات سیاسی مشروطیت»، حافظ، شماره ۱۷، ص: ۲۰.

۳- امین، سیدحسن، ۱۳۸۳، *تاریخ حقوق ایران*. تهران: دایره المعارف ایران‌شناسی، صص: ۵۲۸-۶۳؛ ذاکر حسین، عبدالکریم، ۱۳۶۸، *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، تهران: دانشگاه تهران، ص: ۶۰.

۴- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدی قلی، ۱۳۶۳، *گزارش ایران (بخش گزارش دوره قاجار و مشروطیت)*، به کوشش محمدعلی اهتمام، تهران: نشر نقره، صص: ۲۲۳-۲۱۸؛ ذاکر، حسین، همان، صص: ۷۱-۷۲.

۵- معین، محمد، ۱۳۸۶، «شرح احوال دهخدا»، *مجموعه مقالات زندگی‌نامه علی اکبر دهخدا*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صص: ۱۱-۱۲؛ اتحاد، هوشنگ، ۱۳۷۸، *پژوهشگران معاصر ایران*، ج ۱، تهران: فرهنگ معاصر، ص: ۲۶۹.

به دلیل دانش دهخدا گاه وظیفه تدریس را به او می سپرد^۱ تا اینکه در زمان مظفرالدین شاه، معاون الدوله غفاری او را همراه خود به بالکان برد. دهخدا در این سفر زبان فرانسه خود را کامل کرد و از معلومات جدید بهره برد و دانش خود را تکمیل کرد. بازگشت دهخدا به ایران همزمان با آغاز مشروطیت بود. در آن هنگام وی در انتشار روزنامه صوراسرافیل، از جراید معروف مشروطیت، با میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و میرزا قاسم تبریزی به همکاری پرداخت. پس از تعطیلی مجلس در زمان محمدعلی شاه، دهخدا با جمعی از آزادی خواهان به اروپا رفت. در سوئیس سه شماره از روزنامه صوراسرافیل را منتشر کرد و سپس به استانبول رفت، در آنجا نیز در انتشار روزنامه «سروش» با آزادی خواهان همکاری کرد.

پس از خلع محمدعلی شاه، دهخدا از طرف مردم تهران و کرمان به نمایندگی مجلس برگزیده شد و به درخواست آزادی خواهان به مجلس رفت. در دوران جنگ جهانی اول دهخدا در یکی از روستاهای چهارمحال بختیاری سکونت داشت. پس از جنگ به تهران آمد و از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد. او در جریان ملی شدن نفت از مصدق دفاع کرد، به همین علت بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مورد آزار و اذیت واقع شد و سرانجام در هفتم اسفند ماه ۱۳۳۴ خورشیدی در تهران وفات یافت و در قبرستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.^۲

ب) تحلیل و بررسی اندیشه های اجتماعی دهخدا

منظور از اندیشه های اجتماعی، نگاه جامع (جزء نگر و کل نگر) به جامعه، مشکلات، چالش ها، موانع پیشرفت، تشخیص و رفع آن ها، عوامل پیشرفت و ارتقاء جامعه و مسائلی از این دست است. این مسائل نیز تا اندازه بسیاری با دیگر مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط است. جامعه

۱- اتحاد، همان، ص: ۲۶۹.

۲- افشار، ایرج، ۱۳۵۸، «مبارزات دهخدا و یارانش علیه محمدعلی شاه در اروپا»، نگین، سال پانزدهم، شماره ۱۶۹، صص: ۴۳۱-۴۲۸؛ دبیرسیاقی، محمد، ۱۳۶۸، «مقالات دهخدا». ج اول. تهران: تیرازه، صص: ۲۸-۲۵؛ ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۹۰، «درگذشت دهخدا»، یاد آر ز شمع مرده یاد آر، (کارنامه، نقد و تحلیل و گزیده اشعار علی اکبر دهخدا)، به کوشش سحر مازیار، تهران: سخن، صص: ۲۹-۲۶.

ایران در آستانه و در اثنای مشروطیت تحولات بنیادینی یافت. مشروطیت بیانگر آغاز عصری جدید با تحولاتی عمیق در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و پیچیدگی‌ها و منوط بودن این ابعاد به همدیگر است. در نظام مشروطه حاکمیت به دست مردم می‌افتد و به تدریج طبقه متوسط تحصیل کرده و منورالفکر بروز می‌کند. «با آغاز جنبش مشروطیت و تشکیل مجلس ملی، طیف گسترده‌تری از روشنفکران آرمان‌گرا در کسوت دیوانی، خطیب، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار به استقرار مردم‌سالاری برآمدند و اندیشه روشنفکران سلف را توسعه دادند و ژرفا بخشیدند. در این طیف نوپیدا دهخدا چهره‌ای کم‌نظیر و ماندگار شد. او روشنفکری تمام عیار بود که زبان و قلم خویش را به تمامت در راه غایات ملی و آرمان مشروطیت ایران به کار گرفت. آثار قلمی او به مقالات چرند و پرنده محدود نماند و نیز او را نمی‌توان فقط پدیدآورنده اثر سترگ لغت‌نامه دانست، بلکه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی نیز مقالات وزین نوشت و حتی برای توسعه کشور طرحی عرضه کرد»^۱.

حال به خوبی روشن است که تحلیل اندیشه‌های اجتماعی دهخدا در گروی تحلیل و بررسی چندین عامل و شاخصه مهم حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وی است. در واقع حیات اجتماعی دهخدا چیزی مجزا و مستقل از حیات سیاسی و حتی بعضاً اقتصادی و فرهنگی نیست، به بیان دیگر، می‌توان گفت این شاخصه‌ها درهم تنیده و به هم مربوط‌اند؛ بنابراین می‌توان این اندیشه‌ها را در چندین گزینه خلاصه و مشخص کرد: آگاهی، انتقاد، ترقی و تجدد، آزادی، حس ناسیونالیسم و وطن خواهی، عدالت اقتصادی و دموکراسی اجتماعی. ذکر این نکته نیز الزامی است که این موارد درهم پیچیده و با یکدیگر مرتبط هستند و با همدیگر معنی دارند. به طور مثال، ممکن است در انتقاد، گزینه ناسیونالیسم و تجددخواهی و آزادی و آگاهی نیز وجود داشته باشد.

۱. آگاهی

به علت آنکه دهخدا آموزش مناسب و کافی داشت، پس از دانش و سواد دوران خود به نحو احسن برخوردار بود. وی از همان آغازین سال‌های جوانی به سیاست و تحولات اجتماعی و

۱- اصل، حجت الله، ۱۳۸۷، دهخدا در افق روشنفکری ایران، تهران: انتشارات کویر، ص: ۲۴.

مسائل جامعه‌شناختی نه صرفاً آکادمیک علاقمند شد. می‌توان مدعی شد وی با ورود به مدرسه علوم سیاسی، از همان آغاز به واسطه خواندن علوم غربی با تفکر غرب بالاخص اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی آن آشنا شد. این مدرسه به نوعی مسئولان و فرهیختگان بعدی را تربیت می‌کرد. در واقع این مدرسه مرحله مقدماتی دانش‌آموختگان برای ورود به عرصه سیاسی و حقوقی در جامعه بود. آن‌ها در این مدرسه با علوم و فنون جدید و از طرفی افکار اروپایی تا اندازه‌ای آشنا می‌شدند.^۱ از سوی دیگر این مدرسه دانش‌آموختگان را روحیه‌ای دموکراتیک می‌بخشید. این فارغ‌التحصیلان در ادارات مختلف دولتی به‌ویژه وزارت خارجه و عدلیه و مالیه مشغول به کار می‌شدند.^۲

همان‌طور که گذشت دهخدا پس از اتمام دوره مدرسه علوم سیاسی به خدمت وزارت خارجه درآمد و در سال ۱۳۲۱ قمری همراه معاون‌الدوله غفاری، وزیر مختار و سفیر ایران در بالکان به اروپا رفت.^۳ دهخدا «پس از دو سال و نیم به ایران بازگشت».^۴ مراجعت وی به ایران مقارن و مصادف با نهضت مشروطه‌خواهی بود (۱۳۲۳ قمری / ۱۲۸۴ خورشیدی).^۵

«دهخدا پس از بازگشت از اروپا در سال ۱۳۲۴ قمری در اداره شوسه خراسان که امین‌الضرب مهدوی آن را اداره می‌کرد به سمت معاون و مترجم مسیو دو بروک مهندس بلژیکی درآمد»، اما این گزارشگر راه و راهسازی شش ماه بیشتر دوام نیاورد. اهمیت این بخش از زندگی دهخدا به سبب نامه‌ها و گزارش‌هایی است که با وجود لحن رسمی، خبر از نویسنده‌ای دقیق و باهوش می‌دهد.^۶ دهخدا حدود ۹ ماه بعد از صدور فرمان مشروطیت، به ریشه گرفتن مشروطه و پدید آمدن

۱- اتحاد، همان، ص: ۲۶۹.

۲- مستوفی، همان، ج ۳، ص: ۶۱۲.

۳- آراین پور، یحیی، ۱۳۸۲، *از صبا تا نیما*، ج ۲، تهران: زوار، ص: ۸.

۴- آراین پور، همان، ص: ۷۹.

۵- دبیرسیاقی، همان، ص: ۹.

۶- افشار، ایرج، ۱۳۵۸، *مبارزات دهخدا و یارانش علیه محمدعلی شاه در اروپا*، نگین، سال ۱۵، شماره ۱۶۹، صص:

روزنامه‌های آزاد به نشریه صوراسرافیل پیوست و برای اولین بار «در صف مدافعان مشروطیت قرار گرفت».^۱

او در صوراسرافیل مقالات پرمغز و تأثیرگذار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی چاپ می‌کرد، تا بدین وسیله مردم را آگاه و از مشروطه‌ای که به سختی به دست آمده است دفاع و جانبداری کند؛ آن‌چنان که محمدعلی شاه در صدد تطمیع و فرمانبردار کردن او با توسل به پول و قزاق برآمد.^۲ پس از تعطیلی مجلس در زمان محمدعلی شاه، دهخدا با جمعی از آزادی‌خواهان به اروپا رفت. همین سفر به اروپا او را بیش از پیش با افکار و اندیشه‌های غرب و متجدد آشنا کرد. وی در سوئیس سه شماره از روزنامه صوراسرافیل را منتشر کرد و سپس به استانبول رفت و در آنجا نیز در انتشار روزنامه «سروش» با آزادی‌خواهان همکاری کرد. پس از خلع محمدعلی شاه، دهخدا از طرف مردم تهران و کرمان به نمایندگی مجلس برگزیده شد و به درخواست آزادی‌خواهان به مجلس رفت. در دوران جنگ جهانی اول دهخدا در یکی از روستاهای چهارمحال و بختیاری سکونت داشت. این اقامت به سبب کتابخانه عظیم امیرمفخم بسیار پرفایده بود.^۳ دهخدا دانش و اطلاعات خود را در همین مدت افزایش داد و حتی جرقه پایه‌ریزی لغت‌نامه نیز در همین دوران در فکر دهخدا پیدا شد.

وی پس از خاتمه جنگ به تهران آمد و از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد. دهخدا آگاهی لازم را یافته بود، منشأ این آگاهی در مطالب فوق به‌طور خلاصه ذکر شد؛ حال به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم. علم‌اندوزی و دانش‌جویی و به دنبال درس و مکتب رفتن، خود آغاز آگاهی و دانستن و دانایی لازمه روشنفکری است. دهخدا برای «مبارزه با استبداد سیاسی، بی‌رسمی‌های قدرت، تباهی دیوان‌سالاری و جهل و خرافات هزاران ساله» آگاهی راستین نیاز داشت. در آگاهی او از مسائل دینی، محضر آقاشیخ هادی نجم‌آبادی

۱- آرین پور، همان، ص: ۷۹.

۲- دبیرسیاقی، همان، ص: ۱۱.

۳- بختیار، مظفر، ۱۳۹۰، «دهخدا در میان بختیاری‌ها»، چاپ در یاد آر ز شمع مرده یاد آر (کارنامه، نقد و تحلیل و گزیده اشعار علی اکبر دهخدا)، به کوشش سحر مازیار، تهران: سخن، صص: ۱۷۸-۱۶۶.

مؤثر بود که خود از مروجان اندیشه ترقی بود. همین‌طور وی از غلامحسین بروجردی نیز بهره‌ها برد و از او «دانش‌های قدیمی و ادبیات را فراگرفته بود». ذهن دهخدا برای دریافت پدیده‌ها و دانش‌های نو آماده شده بود، او در مدرسه علوم سیاسی که میرزا حسن خان مشیرالملک (مشیرالدوله بعدی) بنیاد نهاده بود، وارد شد و در آنجا حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی، تاریخ قدیم و معاصر، به‌ویژه تاریخ انقلاب و حوادث اروپا، جغرافیا، حقوق، جنگ، دیپلماسی، اقتصاد و زبان‌های عربی و فرانسوی آموخت.^۱

هنگامی که وی به اروپا رفت زبان فرانسه خود را تکمیل کرد و از راه آن با «آثار اندیشه‌وران عصر روشنگری اروپا چون هابس، لاک، منتسکیو، ولتر و اصحاب دایره‌المعارف آشنا شد و مسائل و مباحث سیاسی و اجتماعی نو را در پرتو دانش و آگاهی نوین خویش نگریست، بنیادهای سیاسی و اجتماعی باختر را دید و دانش نظری را با تجارب عملی و دیده‌های بی‌میانی درآمیخت».^۲ دهخدا در بازگشت به ایران از حزب دموکرات جدا شد و به عضویت حزب اعتدال درآمد. این امر نشان می‌دهد او از روش‌های تندروانه پیشین خود در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی تا اندازه بسیاری فاصله گرفته است.^۳ «او به رغم سیاست پیشگان و دست‌اندرکاران دیپلماسی زبان را نه ابزار فریب و غلبه که آن را پدیده‌ای آگاهی‌بخش و دانایی‌گستر می‌داند».^۴

۲. انتقاد

نوشته‌های دهخدا در صوراسرافیل، هنگام حضور در ایران، چنان گزنده بوده که امیراعظم، حاکم گیلان، را عصبانی کرده است؛ به نحوی که اقدام به ترور وی کرد، اما بی‌نتیجه ماند.

۱- اصیل، همان، ص: ۲۵.

۲- همان، ص: ۲۵.

۳- آجودانی، ماشاءالله، ۱۳۸۲، *یا مرگ یا تجدید* (دفتری در شعر و ادب مشروطه). تهران: اختران، صص: ۴۳۷-۴۳۶؛ اتحادیه نظام مافی، منصوره، ۱۳۶۱، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت* (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، تهران: گستره، ص: ۲۲۶.

۴- اصیل، همان، ص: ۲۶.

برخی قشریون افراطی و مذهبی نیز از مقالات او تعبیر و استنباط ناروایی کردند و به همین سبب این موضوع را حتی به مجلس نیز کشاندند، اما مجلس دهخدا را تبرئه کرد و به علت تنش‌زدایی برای مدتی صوراسرافیل را توقیف کرد.^۱

او از فساد دربار و درباریان و خیانت عمال حکومت می‌نوشت و دل‌بستگی برخی از رجال سیاسی به بیگانگان را افشا می‌کرد. دهخدا از خرافات و عقاید موهومه، از ظلم ارباب بر رعیت و غنی به فقیر می‌گفت. از ریاکاری قشریون و روحانی نمایان افراطی پرده برمی‌داشت و با زبانی شیرین، جهالت و نادانی را رسوا می‌کرد.^۲

علاوه بر موارد فوق برای آگاهی دقیق از اندیشه‌های اجتماعی دهخدا باید توجه داشت که او در چه مجامع یا کانون و حزب و کمیته‌هایی عضویت داشته است. دهخدا در کنار روزنامه نگاری، به کمیته انقلاب که خود شاخه و شعبه‌ای از حوزه اجتماع‌یون عامیون بود، پیوست تا «برای حفظ مشروطیت و نگهبانی از این نهال نوپا بکوشد».^۳

دهخدا همراه دیگر هم‌زمان خود به این کمیته روی آورده بود، چون سیاست‌های کشور و روش مملکت‌داری را مطابق با اصول آزادی و تجدد و بسیاری از مسائل نو و تازه نمی‌دید و از سوی دیگر فساد و مشکلات عدیده اجتماعی، فقر، فلاکت، جهل، بیماری، نابرابری‌های اجتماعی، فاصله عمیق طبقاتی و جدایی گسترده میان حاکمان، دولتمردان و مردم عامه او را متوجه وخامت اوضاع کرد، از این رو بیشتر مبارزات و فعالیت‌های وی و حتی عضویت در انجمن‌های مخالف و منتقد حکومت نیز نوعی انتقاد به حساب می‌آید.

طبیعتاً دهخدا به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم‌سو با کمیته می‌پرداخت. وی در اثنای فعالیت‌های انقلابی از تقی‌زاده تأثیر بسیار پذیرفت. تقی‌زاده از چهره‌های تأثیرگذار در عرصه سیاست آن زمان است. او با آزادی بیان نسبی در ایران عصر مشروطه، حزب دموکرات را

۱- دبیرسیاسی، همان، ص: ۱۱.

۲- آجودانی، همان، ص: ۱۵؛ اباذری، منیژه، ۱۳۸۴. «چرند و پرند دهخدا از دیدگاه اجتماعی، سیاسی و ادبی»، حافظ، شماره ۲۵، ص: ۲۷.

۳- آبراهامیان، همان، صص: ۹۹-۹۸ و ۱۰۲.

پی‌ریزی کرد. وی همچنین از جرگه مشروطه‌خواهان تندرو و رادیکال به شمار می‌آمد.^۱ در دوران تبعید در اروپا در اولین شماره صوراسرافیل، مقاله بحث‌برانگیز «طبیعت سلطنت چیست؟» را چاپ می‌کند.^۲ وی در این مقاله مسئله مذکور را به شیوه‌ای کاملاً علمی مورد بحث قرار می‌دهد. قلم محکم و شیوا، ذهن نقاد و دقیق و دانش و علم گسترده وی به علاوه روح استبدادستیز او در همه جای مقاله نمود دارد.^۳ او قصد داشت با نوشتن این مقاله، مردم را که بخش مورد غفلت واقع شده ایران بودند، به خود متوجه سازد. با این مقاله نشان داد سلطنت دیگر نمی‌تواند به راه خود به صورت سنتی ادامه دهد و باید مردم را در سرنوشت خودشان دخیل و همراه سازد. درمان دردهای اجتماع به تدریج و آهستگی و به دستان خود مردم درمان می‌شود و اولین نکته در این زمینه آگاهی و انتقاد سازنده است.

دهخدا که خود را از قید و بند و سختی‌گیری‌های ایران رها دیده بود، در ایوردون سوئیس رادیکال‌ترین نظریه‌های سیاسی و اجتماعی خود را بیان کرد.^۴ این امر سبب آشفتگی و هراس محمدعلی شاه و دربار ایران شد. اما وی در بازگشت به ایران تغییر مشی داد؛ وی به اعتدالیون پیوست. این حزب در مقایسه با حزب دموکرات شیوه‌های ملایم و محافظه‌کارانه‌تری داشت. اساس کار آن‌ها در برخورد با مخالفان خود ارشاد و پند و اندرز بود.^۵

دهخدا با اوج‌گیری نهضت ملی ایران و مبارزه دکتر مصدق بر سر ملی کردن نفت ایران، بار دیگر در عالم سیاست وارد شد. او در این بین حامی و پشتیبان دکتر مصدق به شمار می‌آمد، از این رو اندیشه‌های او تا حد بسیاری در جهت فعالیت‌ها و اندیشه‌های دکتر مصدق بود. او همراه با مصدق، خواهان ملی کردن صنعت نفت و کوتاه کردن دست اجنبی‌ها و خائنان از

۱- کاتوزیان، همان، ص: ۳۴.

۲- آجودانی، همان، ص: ۳۹ و ۱۵ و ۲۶۳؛ جانزاده، همان، صص: ۶۷-۶۶.

۳- سلیمانی، بلقیس. ۱۳۷۹، *همنوا با مرغ سحر*، تهران: ثالث، ص: ۵۴.

۴- آجودانی، همان، صص: ۲۶۴-۲۶۳؛ سلیمانی، همان، صص: ۵۵-۵۴.

۵- همان، صص: ۴۳۷-۴۳۶.

ایران بود. او این بار از روش حکومت‌داری پهلوی، به‌ویژه محمدرضا شاه انتقاد می‌کرد.^۱

۳. ترقی و تجدد

دهخدا افکار متجدد و تازه‌ای داشت، البته باید تصریح کرد وی این ویژگی‌های آزاداندیشانه را تا حدود زیادی مدیون تحصیلات خود در مدرسه علوم سیاسی، خدمت در وزارت خارجه و سفر به اروپا و توجه و دقت در زندگی مردم جامعه بود. او با همین روش و با مقالات جدید خود در روزنامه صوراسرافیل، اطلاعات تازه‌ای درباره جهان و مسائل مملکت و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نوشت، به‌طوری که نوشته‌های او تیشه به ریشه محمدعلی شاه و نظام استبدادی و خودکامه قاجاریه زد. او بعدها همراه با دکتر مصدق و نهضت ملی ایران با همین قلم صوراسرافیلی همراه شد؛ همین امر سبب خشم مخالفان می‌شد. خود تفکر مشروطه‌خواهی یکی از بزرگ‌ترین تفکرات متجدد دهخدا بود. «مهم‌ترین بخش پیام دهخدا که جوهر اندیشه او و دیگر روشنفکران پیشرو روزگار او بود، آیین یا فلسفه ترقی است... [و] بنیاد جنبش مشروطه‌خواهی بر فلسفه ترقی نهاده شد».^۲

باز در لابه‌لای سخنان و اعتقادات او درباره اصلاحات ارضی و وضعیت میان ارباب و رعیت می‌توان پی به افکار متجددانه وی برد؛ او خواستار اصلاح این وضعیت و شرایط است. یکی از افکار رادیکالی و متجدد او به هنگام مشروطه و زمانی که عضو حزب دموکرات بوده است، مسئله مالکیت زمین و الغای نظام ارباب و رعیتی بود. به نظر می‌رسد دهخدا چون زبان فرانسه می‌دانست و با آرای اندیشمندان غربی آشنا بود، «در طرح مسئله موردنظر به نوعی تحت تأثیر اندیشمندان غربی است»، اما شیوه برخورد او با این مسئله نشان می‌دهد به نویسندگان سوسیال دموکرات نیز نظر داشته است. «او به نحوی کاملاً رادیکال با مسئله الغای نظام ارباب و رعیتی برخورد می‌کند». دهخدا بر خلاف میرزا ملکم خان و طالبوف سخن از

۱- تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۸۳. «دهخدا و نهضت ملی»، حافظ، شماره ۱۶، ص: ۱۷؛ مصدق، محمد، ۱۳۷۴، *نامه‌های*

دکتر مصدق، گردآورنده محمد ترکمان، تهران: هزاران، ص: ۲۰۲.

۲- اصیل، همان، ص: ۲۷.

فروش اراضی به زارعین نمی‌کند، بلکه معتقد است باید املاک دیوانی را به رایگان در اختیار زارعین قرار داد و املاک شخصی را به اجبار به فروش رساند. دهخدا به کارکرد اجتماعی ایده الغای نظام ارباب و رعیتی بیش از نقش اقتصادی آن می‌اندیشد، «چراکه وی منشأ فسادهای اخلاقی و فقر و نداری را، عدم تعادل در تقسیم ثروت‌های دنیا می‌داند»^۱.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نگاه اجتماعی دهخدا به جامعه و مردم ایران، نگاهی نزدیک به سوسیال دموکرات‌هاست. او به اصالت مردم‌سالاری و حکومت مردم بر مردم اعتقاد دارد. دهخدا و دیگر تبعیدیان و مهاجران به هنگام تبعید به هر شکلی که بود به مبارزات خود ادامه داد و افکار متجدد خود را بسط داد یا سبب تقویت نیروهای داخل ایران می‌شدند؛ آن‌ها در اعلامیه‌ای در دفاع از مجلس ایران و اهداف ملیون حمایت کردند و «جنبه‌های اصلاح طلبی و تجددخواهی و حمایت از اقلیت‌ها را گوشزد نمودند و گفتند به خاطر دخالت خارجی مجلس شکست خورده است. ایشان تأکید می‌کردند که برعکس آنچه در غرب گفته می‌شود، اصلاح طلب هستند و نه انقلابی»^۲.

اندیشه‌های متجددانه و نو دهخدا را می‌توان در نامه‌ی وی به انجمن سعادت استانبول به خوبی دید؛ وی در این نامه دلیل اختلاف نظر میان ملیون را این دانسته بود که برنامه و مسیر و هدف اجرایی آن‌ها نامعلوم و نامشخص است. انجمن باید تمام برنامه‌ها را در انجمن‌های خارج و داخل ایران یکسان و متحدالشکل کند.^۳ دهخدا در دوران پهلوی نیز افکار پیشروانه‌ای داشت که نمونه و مصداق اصلی و بارز آن همراهی با نهضت ملی مصدق و ملی کردن صنعت نفت بود. همه این افکار در راه پیشرفت و تجدد کشور بود. او می‌خواست تا ایران راه پیشرفت را پیدا کند و در مسیر آن قرار بگیرد و در این باره همه ارگان‌ها و مقاطع و مراتب اجتماعی باید با یکدیگر هماهنگ و هم‌سو باشند تا در نهایت منجر به پیشرفت کلی کشور شوند.

۱- سلیمانی، همان، صص: ۱۳۷-۱۳۹.

۲- اتحادیه، همان، ص: ۱۸۰.

۳- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۸، *نامه‌های سیاسی دهخدا*، به کوشش ایرج افشار، تهران: روزبهان، ص: ۴۷.

دهخدا نوجو و نواندیش است. «نوجویی و پیشرفت باوری دهخدا هم نفی راه و رسم کهنه جامعه است.» از این رو در نوشته‌های خویش، خواه طنز، خواه جدی به نمایان‌ترین نماد کهنه‌پرستی، یعنی استبداد سیاسی دیرباز، می‌تازد. «در چکاد هرم استبداد سیاسی محمدعلی شاه است که سوگند خود را به زیر پای نهاده و با مشروطیت که نماد کامل نوی و تازگی است، کژتابی می‌کند»^۱.

۴. آزادی

دهخدا راه آزادی را تمدن و فرهنگ می‌دانست. او معتقد بود که کشورهایی مثل ایران باید راه مبارزه خود را از روش‌های تند و خشونت بار به روش‌های مسالمت‌آمیزی چون تحقیق و علم‌اندوزی و دانش تغییر دهند و همه مردم را به این مسیر ملایم اما تأثیرگذار فرا بخوانند یا هدایت کنند. دهخدا حفظ استقلال کشور را از مهم‌ترین مسائل به شمار می‌آورد. او این موضوع را به خوبی درک کرده بود و این مسئله به طرز زیبایی در شعر «وطن‌پرستی» وی انعکاس دارد:

«هنوزم ز خردی به خاطر در است که در لانه ماکیان برده دست
به منقارم آن سان به سختی گزید که اشکم چو خون از رگ آن دم جهید
پدر خنده بر گریه‌ام زد که هان! وطن‌داری آموز از ماکیان»^۲

دهخدا با تجربه اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای که کسب کرد، به زودی دریافت تنها راه حفظ آزادی و استقلال ایران مبارزه مسالمت‌آمیز، یعنی همان فرهنگ‌سازی و شکل‌گیری تمدن است. ظاهراً دهخدا در مدت دوری از تهران، بسیار با خود فکر کرد و به این نتیجه رسید که بهترین راه مبارزه با امپریالیسم و استبداد غربی، تحقیق و تمدن‌سازی است. از این رو، پس از آن مدام در فکر انجام کارهای زیربنایی در زمینه تحقیق در فرهنگ و تمدن و ادبیات ایران برآمد. دو اثر عظیم و بی‌بدیل او یعنی، *لغت نامه* و *امثال* و حکم حاصل این تفکر وی است.

۱- اصل، ۱۳۸۷، ص: ۳۰.

۲- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۰، *دیوان دهخدا*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چ پنجم، تهران: تیراژه، ص: ۱۲۵.

پس از مشروطه دو قدرت روس و انگلیس، کشور را به دو منطقه نفوذ تقسیم کرده بودند؛ روسیه تزاری که هم بر خاک ایران طمع بسته بود و هم از پاگرفتن یک دموکراسی آسیایی در پشت مرزهای جنوبی خود ناخشنود بود، سپاهیان خود را برای سرکوب آزادی به ایران گسیل داشت و «گروهی از فرزندان شایسته این مرزوبوم را به قتل آورد و برای خفه کردن صدای آزادی هیچ کاری را فرو نگذاشت».^۱ مسلم بود دهخدا در برابر این وقایع سکوت نمی‌کند و به هر نحوی از انجا زبان باز می‌کند و کاری انجام می‌دهد. او در هنگام پناهندگی به ایل بختیاری در مورد این مسائل سخت تفکر می‌کند و این نکته مهم را درمی‌یابد که توان مقابله نظامی با چنین قدرت‌هایی وجود ندارد، لذا از راه فرهنگ باید وارد شد.

او خوب می‌دانست آزادی که مفهومی فلسفی است، ممکن است اعتراضاتی به دنبال داشته باشد. «وی آزادی را مقوله‌ای همگانی و به دور از فرقه‌گرایی و انحصارجویی می‌خواست. از این روست که در همان شماره صوراسرافیل از پیداشدن مسلک‌های تازه شادمانی می‌نماید».^۲

۵. ناسیونالیسم و وطن خواهی

دهخدا لزوم حفظ استقلال مملکت را درک کرده بود، از این روی مفهوم «وطن» و غیرت در برابر آن را یکی از مضامین شعری خود ساخت؛ به‌طور مثال وی مثنوی «در چنگ دزدان» را «مقارن طرح مسئله نفت ایران و ملی شدن این صنعت سروده است» و هنگامی که آن را برای چاپ به مدیر مجله یغما می‌دهد، به طنز می‌گوید: «در مجله بنویسید که اینجا مرادم از دجله نفت خوزستان نیست.» شاید محققان و منتقدان بر پایه همین کنایه این شعر را شعر رمزی دانسته و آن را به‌نحوی تأویل کرده‌اند که بیانگر این رویداد ملی شدن صنعت نفت باشد.^۳

ایدئولوژی ناسیونالیسم بر ملت‌باوری استوار است و فداکاری در راه غایات ملی و هویت ملی را به قالب اصول و برنامه در می‌آورد، و آن را تبلیغ می‌کند. تکیه آن بر ملت، با انتزاع

۱- اصل، همان، ص: ۴۱.

۲- همان، صص: ۶۲-۶۳.

۳- سلیمانی، همان، ص: ۲۴۶.

عناصر تشکیل دهنده ملت چون زبان، دین، تاریخ، سرزمین، خاطره قومی و ادبیات و هنر ملازمه دارد و ممکن است که هر یک از این عناصر برای توجیه اهداف آن به کار گرفته شود. دهخدا با فرهنگ، تمدن، ادبیات و سنت بزرگ ملت خود باخبر بوده است؛ *امثال و حکم* وی به تنهایی دلالت کافی بر حس ملی و ناسیونالیسم او دارد، دهخدا برای جمع‌آوری این اطلاعات، میراث عظیم ادبی ملت خود را دقیقاً مطالعه و آنچه را که کمابیش رابطه‌ای با «امثال و حکم ایرانی داشته یا به‌عنوان مثل ورد زبان مردم بوده، در این اثر نفیس گرد آورده است».

وی هم بر فرهنگ ایرانی آگاهی کامل دارد و هم از جریان‌های فکری غربیه خوبی باخبر است، پس او در «جستار ناسیونالیسم به همه عناصر ملیت ایرانی استناد می‌کند...» از دید او، ملت آمیزه‌ای است درهم‌تنیده از خاک و خون، میراث گذشته و ارزش‌های موجود جامعه. وی به‌رغم باستان‌پرستانی که به دوران پیش از اسلام با نگاه آرمان‌گرایانه می‌نگریستند و سده‌های پس از آن را ارج کمتری می‌نهادند، تاریخ و فرهنگ دیرباز ایران را گرامی می‌دارد، خواه مربوط به پیش از اسلام باشد و خواه از دوره اسلامی. سخن او «درباره شاهان بشکوه و خردمند ایران زمین، به‌ویژه هنگامی که به قصد ستیزه با قدرت استعماری روسیه ادا می‌شود، لحن حماسی می‌گیرد».^۱ با این حال «او دچار هذیان قوم‌پرستی و ایران‌پرستی نیست، اما با این وجود عشق به وطن در سراسر دیوان او موج می‌زند».^۲

اندیشه ملی‌میهنی دهخدا را در *امثال و حکم* نیز می‌توان دید. دهخدا در جلد سوم *امثال و حکم* چند بیت از *گرشاسب‌نامه* اسدی طوسی را بهانه می‌کند و ۱۷۰ صفحه کتاب را به ایران و ایرانی و بشکوهی و بخردی برخی از شاهان ایران اختصاص می‌دهد و تا حد امکان برای تأیید ایران و ایرانی مطالبی از منابع گوناگون به فارسی و عربی گرد می‌آورد و با این کار گفتاری بلند را جانشین *امثال* یا سخنان حکمت می‌کند که در همان حال نشان ایران‌دوستی اوست. این وجه ملی‌میهنی اندیشه دهخدا در واپسین سال‌های زندگانی او نیز رخ می‌نماید و او برای پشتیبانی از نهضت ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر مصدق از «دو گزینه قانون

۱- اصل، همان، ص: ۶۴.

۲- آجودانی، همان، ص: ۲۲۷.

اساسی و ایران دومی را رجحان می‌نهد.^۱ «قانون اساسی چنانچه مکرر به تمام دوستان خود گفته‌ام و قوانین مملکتی برای مملکت است. اگر بنا شود قانون اساسی یا قوانین دیگر در جهت مخالف استقلال مملکت بیفتند، همه ملل و همه دول در همه اعصار، مملکت را مقدم شمرده‌اند و قانون را عوض کرده‌اند، نه اینکه مملکت را فدای قانون کرده‌اند.»^۲

در میان اشعار دهخدا گاهی به شعرهای میهنی و وطنی در معنای والای آن برخورد می‌کنیم. مانند این شعر:

«مزن سر سری پا بدین خاک و دست که بس سر شد از دست در هر بدست
نه دجله به خود نیلگون می‌رود کز اربل در آن سیل خون می‌رود
نه رودی است جیحون و گر خود یمیست که با خون گردان ایران نمیست»^۳

حس ناسیونالیسم بود که دهخدا را واداشت تا در تیرماه سال ۱۳۳۲ با چاپ مقاله‌ای در روزنامه باختر به مدیریت دکتر سید حسین فاطمی، نهضت ملی را با نهضت مشروطیت مقایسه کند و آن‌ها را مانند هم بداند و مردم را بدین وسیله به حمایت از دولت مصدق فرا بخواند.

۶. عدالت اقتصادی

در مطالب پیشین گفته شد دهخدا با توجه به آگاهی نسبت به جامعه و دنیای اطراف خود، نظام ارباب و رعیتی را ملغی می‌دانست و می‌کوشید آن را با نوشته‌ها و پیشنهادهای خود اصلاح کند؛ مسلماً کاری آسان نبود. وی «پیش از تبعید طرح اقتصادی تازه‌ای عنوان کرد که استوار بر اندیشه عدالت اجتماعی و پیشرفت کشور بود. دگرذیسی که نشان داد، او را از مشروطیت و آرمان‌های آن دور نکرد، اما از دیدگاه اقتصادی به دموکراسی اجتماعی گرایش یافت و در این زمینه مقالات پرمایه‌ای نوشت. در آن مقالات نشان داد که او روشنفکر راستینی است که تنها درد را نمی‌گوید، راه درمان را هم نشان می‌دهد.»^۴

۱- اصل، همان، ص: ۷۰.

۲- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۴. *مقالات دهخدا*، ج ۲، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: تیراژه، ص: ۲۸۴.

۳- همان، ص: ۱۲۴.

۴- اصل، همان، ص: ۴۰.

در عصر جدید ایدئولوژی و مرام سیاسی در ارتباط تنگاتنگ با عدالت اقتصادی و اجتماعی است؛ بر همین اصل اندیشه سیاسی دهخدا نیز در اندیشه‌های اجتماعی و اقتصادی وی گره خورده است. مرام او نیز مطابق با سوسیال دموکرات‌هاست. «بدان سبب به عدالت اقتصادی و اجتماعی ایمان دارد و آن را ضروری یک جامعه مدنی سالم و پیشرفته می‌داند و در جستار مناسبات مالک و زارع، خواهان حل مسئله به سود کشاورزان است و برای رسیدن به آن هدف، طرحی مترقی دارد؛ بنابراین اندیشه سیاسی او را باید در همبستگی با اندیشه اقتصادی وی در نظر داشت».

دهخدا مانند هر روشنفکر دلسوز و مسئول دیگری خواهان پیشرفت ایران و توسعه همه جانبه آن بود. او از آن دسته کسانی بود که «پس از انقلاب مشروطیت، جنبش مردمی را از خواسته‌ای صرفاً سیاسی و فضایی به خواسته‌های اجتماعی، اقتصادی و طبقاتی کشاندند و با پی گرفتن سیاست انقلابی و رادیکالی، نسبت به تعریف مشروطه به اصلاحات از بالا معترض شده و خواستار اصلاحات در ساختارهای بنیادینی چون شیوه زمین‌داری و مالکیت، مالیات، آموزش و پرورش، خدمات رفاهی، تأمین اجتماعی و... شدند که مربوط به عامه مردم اعم از جامعه شهری و روستایی و به‌ویژه قشر پایین جامعه می‌شده است. آن‌ها که نسبت به کند پیش رفتن اهداف انقلاب و شیوه محافظه‌کاری برخی دیگر از انقلابیون بیمناک بودند و هرگونه صبر و انتظاری را به نفع طبقه حاکمه می‌دانستند، روش‌های رادیکالی را به‌ویژه از طریق روزنامه‌ها و با درج مقالات انتقادی در پیش گرفتند»^۱.

در عین حال چون وی درس‌خوانده مدرسه سیاسی بود و درس‌های ثروت و اقتصاد را در آن مدرسه خوانده بود، با علم اقتصاد و مبانی آن آشنایی داشت، بی‌شک دانسته‌های خود را در این زمینه شخصاً گسترش داده بود. برای همین بر پایه آگاهی خویش دلیری یافت که به مسئله اقتصاد و توسعه پردازد و چون روشنفکری مسئول بود و به بی‌خبری مردم از این رشته معرفت آگاه بود، نوشتن درباره اقتصاد و توسعه را بر خود فرض می‌دانست. این خصلت را

۱- رهبری، مهدی، ۱۳۸۷. *مشروطه ناکام (تأملی در رویارویی ایرانیان با چهره ژانوسی تجدید)*، تهران: کویر، ص: ۲۳۸.

برخی از روشنفکران دیگر، پیش از مشروطیت و پس از آن نیز داشتند. «دهخدا در سلسله مقالاتی که در روزنامه صوراسرافیل (ش ۱۷ تا ۳۰) نوشت»، طرحی جامع و روشن برای حل مشکل اقتصادی ایران و توسعه همه‌جانبه آن عرضه کرد. وی در خلال این مقالات نشان داد به شاخه‌ای از دموکراسی گرایش دارد که جویای عدالت اجتماعی و اصلاحات اقتصادی است. می‌توان گفت «جوهر طرح و نظر دهخدا سوسیال دموکراسی یا مردم سالاری اجتماعی است».^۱

به طور کلی اندیشه اقتصادی دهخدا را در چند مقوله می‌شود بررسی کرد:

۱. تشکیل بانک برای انباشت سرمایه و غلبه بر فقر مزمن کشور؛
۲. حل مسئله زمین، یعنی بازنگری در مناسبات بیدادگرانه موجود بر بنیاد مالکیت کشاورز بر زمین؛

۳. طرح آموزش نیروی انسانی برای توسعه کشور.^۲

دهخدا می‌داند تأسیس بانک بدون سرمایه عملی نخواهد بود، پس تنها چاره کار، عزم ملی بود که در آن روزگار پدیدار نشد. وی «در مقالات جدی خود در روزنامه صوراسرافیل تهران، اصول موردقبول دموکرات‌ها، مثل تقسیم اراضی و ایده تشکیل بانک زراعتی را تبلیغ می‌کرد، اما در میدان عملی سیاست میانه‌روی محافظه‌کار بود که بیشتر به حفظ استقلال و ثبات کشور می‌اندیشید».^۳

وی به کشاورزی اهمیت بسیاری می‌دهد. برای همین اصلاح ارضی را مطرح می‌کند که طبعاً مخالفان بسیاری داشت. او به اقتضای نوع اندیشه و جهت‌گیری سیاسی اش هوادار کارگران و کشاورزان است و به برکشیدن سطح زندگانی آنان و ارجمند داشتن توجیه ویژه دارد. «وی در روزنامه صوراسرافیل (ش ۲۳، ۱۷ محرم ۱۳۲۶) می‌کوشد ربط توسعه اقتصادی را با ارجمند داشتن کار و کارگر نشان دهد».^۴ وی همچنین به باسوادی مردم و تربیت و پرورش

۱- اصل، همان، ص: ۷۶.

۲- همان، ص: ۷۸.

۳- سلیمانی، همان، ص: ۷۸.

۴- اصل، همان، ص: ۹۰.

نیروی انسانی کارآمد و متخصص و حرفه‌ای بسیار معتقد است و برای همین است که نهضت مبارزه با بی‌سوادی را پایه‌ریزی کرد و در جهت گسترش آن و عمومیت دادن آن بسیار کوشید و باز در اهمیت این موضوع باید دوباره متذکر شد که دهخدا در راستای این هدف خود «نخستین حرکت اجتماعی و فرهنگی خود را در دوره نهضت ملی ایران، با تأسیس «جمعیت مبارزه با بی‌سوادی» آغاز کرد. این جمعیت در اسفندماه ۱۳۲۹ پدید آمد و دهخدا در اعلامیه‌ای به نام جمعیت در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰، چنین نوشت: «دست استعانت و توسل به سوی هر ایرانی شهری، ده‌نشین و احشام‌پرور که خواندن و نوشتن می‌داند، دراز و از اوتما می‌کند که در هر مسلک و دین و مذهب که هست هفته‌ای یک یا چند ساعت وقت خود را صرف تعلیم بی‌سوادان کند».^۱

۷. دموکراسی اجتماعی

دهخدا به سوادآموزی و آگاهی به مردم و بالا بردن سطح دانش آن‌ها بسیار معتقد بود، از این رو در نوشته‌های خود مضامینی در راستای این امر به کار می‌برد. «در عصر مشروطه نویسندگان مطبوعات به دلیل ضرورت زمان و مکان، مسائل سیاسی، بیداری اجتماعی و ترغیب خوانندگان خود، آشنایی با زندگی نوین و حقوق مدنی را بیشتر و جهت همت قرار داده بودند؛ بنابراین وقتی ادبا و شخصیت‌های فرهنگی نامداری مثل علی‌اکبر دهخدا هم در عرصه مطبوعات قلم می‌زدند، نثر استوار و زبان ادبی و سنجیده خود را به خدمت مضامین و موضوعاتی می‌گماشتند که برای خوانندگان آن روز کشش و جاذبه بیشتری داشت. بدون تردید نوشته‌های ادبی سیاسی دهخدا که با عنوان کلی و طنزآمیز چرند و پرند در روزنامه صوراسرافیل منتشر می‌شد، در زمره بهترین و مهم‌ترین نوشته‌های مطبوعاتی قلمداد می‌شود».^۲

وی از موضوعی سخن می‌گوید که می‌توان آن را ترقی اجتماعی نامید. دهخدا با مقایسه کشور خود با دیگر کشورها و آموخته‌های خود به عقب‌ماندگی و واپس روی جامعه خود پی

۱- تکمیل همایون، همان، ص: ۱۷.

۲- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۸۲، *جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر فارسی)*، تهران: جامی، ص: ۳۱۱.

برده بود. او که «وارث اندیشه روشنگران ایرانی و متأثر از اندیشه و آثار دانشوران غربی به‌ویژه اصحاب دایره‌المعارف بود، از فلسفه ترقی غافل نماند؛ وی ترقی اجتماعی انسان را پدیده خودانگیخته و ناگزیر زندگی او می‌دانست و برای سیر ترقی «سرحدی» نمی‌شناخت».^۱

علامه دهخدا بخش اعظم بی‌اخلاقی‌های جامعه و مشکلات بی‌فرهنگی عمده و عدیده را ناشی از بی‌سوادی و ناآگاهی می‌دانست. «او بیماری‌های مهلک اجتماعی همچون رشوه‌خواری، افیون‌زدگی، تنبلی و کسالت، مفت‌خوری و بی‌سوادی را به مانند یک طبیب ماهر شناسایی می‌کرد» و از همگان برای براندازی آن‌ها کمک و استمداد می‌طلبید.^۲ پس بی‌سبب نیست که وی برای آگاهی مردم و جامعه می‌کوشید. او در «روزنامه‌ای که با شهامتی بی‌مانند به انتشار مقالات روشنگر و دستچینی از اخبار می‌پرداخت و پایه‌پای آن با هوشیاری بسیار به شکافتن زخم‌های دیرین اجتماعی و مفساد جمود فکری و تحجر عقیدتی می‌پرداخت و گاه زبان طنز، لبخند زهرآگین را بر لب خواننده می‌آورد».^۳ دهخدا به صرف تدوین و تصویب قانون اساسی و برپایی مجلس قانونگذاری و نوسازی دستگاه دیوانی، معنی مشروطه را تمام نمی‌داند، زیرا با درونمایه ذهنی خود که از دموکراسی سیاسی فراتر می‌رود، هدف آن را بهبود اوضاع و بسط عدالت اجتماعی که شامل حال «روستاییان و ضعفا و فقرا گردد» می‌داند. «معنی کلمه جدید آزادی که تمام انبیا، حکما و علمای دنیا مستقیم و غیرمستقیم برای تکمیل معنی آن کوشیده‌اند»، این است که انسان‌ها اجازه داشته باشند «به همان وسایل خلقتی در تشخیص کمال و پیروی آن، بدون هیچ دغدغه خاطر ساعی باشند» و «معنی کلمه آزادی که قرن‌هاست در تحصیل آن سیل‌های خون جاری است، فقط تحصیل چنین اجازه یا استرداد همین حق طلق و ملک خالصه‌الملکه بشری است».^۴

۱- اصل، همان، ص: ۲۹.

۲- سلیمانی. همان، ص: ۱۲۷.

۳- کهن، گوئل، ۱۳۶۲. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران. تهران: آگاه، ص: ۱۲۱.

۴- اصل، همان، ص: ۶۰.

نتیجه‌گیری

دهخدا به دو روش دانش آموخت و حیطه علمی خود را گسترش داد؛ از سویی بر ادبیات، فرهنگ، تاریخ ملت خود و علوم سنتی به‌خوبی تسلط یافت و از سوی دیگر با سفر به اروپا و تلاش خود با اندیشه‌های غربی و نوظهور آشنا شد. او این دو روش را با همدیگر و به‌موازات هم به کار بست و روش تازه‌ای را در برخورد با مسائل و معضلات اجتماعی دنبال کرد. نگاه اجتماعی دهخدا در ارتباط تنگاتنگ با نگاه سیاسی وی است. در واقع حیطه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی به هم مربوط هستند. پس حیات اجتماعی دهخدا چیزی مجزا و مستقل از حیات سیاسی و حتی بعضاً اقتصادی و فرهنگی وی نیست. با نگاهی به زندگی و احوال دهخدا می‌توان فهمید وی بر برخی عوامل و ملاک‌ها در پیشرفت جامعه ایران بیش از دیگر موارد تأکید و تکیه داشته است؛ بنابراین چندین شاخصه مهم را در تحلیل و بررسی اندیشه‌های اجتماعی دهخدا می‌توان مشخص و خلاصه کرد؛ آن شاخصه‌ها به این قرارند: آگاهی، انتقاد، ترقی و تجدد، آزادی، حس ناسیونالیسم و وطن‌خواهی، عدالت اقتصادی و دموکراسی اجتماعی.

او برای هریک از این موارد حرف‌های گفتنی و موضع و جایگاه ویژه خود را دارد. او بر اهمیت مردم‌سالاری و تصمیم مردم برای خودشان واقف است، برای همین می‌کوشد به هر طریقی مردم را آگاه کند و آنان را از نعمت سواد و دانش برخوردار گرداند و این را آغاز راه برای رسیدن به عدالت واقعی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌داند. او سلاح خود را قلم انتخاب می‌کند و انتقادهای کوبنده خویش را به روش طنز بیان می‌کند. حس میهن‌پرستی و توجه به آزادی و استقلال نیز در اشعار و نوشته‌ها و در کل در زندگی وی مشهود است. تمام فعالیت‌های وی برای رسیدن به جامعه‌ای دموکراتیک و پیشرفته است.

چنان‌که از زندگی و افکار دهخدا بر می‌آید او می‌کوشد تا همه راه‌ها را مقایسه و تجزیه و تحلیل کند و در نهایت آن را که بهتر از همه هست، برای ایران و جامعه آن تجویز کند. پس تعجب‌آور نیست که افکار سیاسی اجتماعی او پستی و بلندی و فراز و نشیب بسیاری دارد. زمانی مبارزه کردن و تندروی و رادیکال و دموکرات بودن را مناسب و مفید می‌داند و زمانی معتدل بودن.

کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۶)، *مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه.
- _____، (۱۳۷۸)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، چ سوم، تهران: نی.
- آجودانی، ماشاءالله، (۱۳۸۲)، *یا مرگ یا تجدد* (دفتری در شعر و ادب مشروطه)، تهران: اختران.
- _____، (۱۳۸۳)، *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آرین پور، یحیی، (۱۳۸۲)، *از صبا تا نیما*، ج ۲، تهران: زوار.
- اباذری، منیژه، (۱۳۸۴)، «چرند و پرند دهخدا از دیدگاه اجتماعی، سیاسی و ادبی»، حافظ، شماره ۲۵.
- اتحاد، هوشنگ، (۱۳۷۸)، *پژوهشگران معاصر ایران*، ج ۱، تهران: فرهنگ معاصر.
- اتحادیه نظام مافی، منصوره، (۱۳۶۱)، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت* (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، تهران: گستره.
- اصیل، حجت‌الله، (۱۳۸۷)، *دهخدا در افق روشنفکری ایران*، تهران: کویر.
- افشار، ایرج، (۱۳۵۸)، «مبارزات دهخدا و یارانش علیه محمدعلی شاه در اروپا»، نگین، سال ۱۵، شماره ۱۶۹.
- _____، (۱۳۵۸)، «سالشمار زندگی دهخدا»، آینده، شماره‌های ۷، ۸، ۹.
- _____، (۱۳۵۸)، «دهخدا در راهسازی خراسان»، نگین، سال ۱۵، شماره ۱۷۴.
- _____، (۱۳۵۹)، *اوراق تازه یاب مشروطیت*، تهران: جاویدان.
- امین، سیدحسین، (۱۳۸۳)، *تاریخ حقوق ایران*، تهران: دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
- بختیار، مظفر، (۱۳۹۰)، «دهخدا در میان بختیاری‌ها»، یاد آر ز شمع مرده یاد آر (کارنامه، نقد و تحلیل و گزیده اشعار علی‌اکبر دهخدا)، به کوشش سحر مازیار، تهران: سخن.
- تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۸۳، «دهخدا و نهضت ملی»، حافظ، شماره ۱۶.
- جانزاده، علی، (۱۳۶۲)، *علی اکبر دهخدا*، تهران: جانزاده.
- دبیرسیاقی، محمد، (۱۳۶۸)، *مقالات دهخدا*، ج اول، تهران: تیراژه.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۸)، *نامه‌های سیاسی دهخدا*، به کوشش ایرج افشار، تهران: روزبهان.
- _____، (۱۳۵۸)، *مقالات دهخدا*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ج ۱، تهران: علمی.
- _____، (۱۳۶۴)، *مقالات دهخدا*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ج ۲، تهران: تیراژه.

- _____ (۱۳۷۰)، دیوان دهخدا، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چ پنجم، تهران: تیرازه.
- ذاکر حسین، عبدالکریم، (۱۳۶۸)، *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، تهران: دانشگاه تهران.
- رهبری، مهدی، (۱۳۸۷)، *مشروطه ناکام (تأملی در رویارویی ایرانیان با چهره ژانوسی تجدد)*، تهران: کویر.
- زینویف، ایوان الکسیویچ، (۱۳۶۲)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، تهران: اقبال.
- سلیمانی، بلقیس، (۱۳۷۹)، *همنوا با مرغ سحر*، تهران: ثالث.
- سلیمانی، بلقیس، (۱۳۸۷)، *همنوا با مرغ سحر*، تهران: ثالث.
- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون، (۱۳۸۷)، *تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
- _____ (۱۳۸۵)، *هشت مقاله در تاریخ و ادب معاصر*، تهران: مرکز.
- گهن، گوئل، (۱۳۶۲)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، تهران: آگاه.
- مستوفی، عبدالله، (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من*، ج ۱ و ۳، تهران: زوار.
- مصدق، محمد، (۱۳۷۴)، *نامه‌های دکتر مصدق*، گردآورنده محمد ترکمان، تهران: هزاران.
- معین، محمد، (۱۳۸۶)، *شرح احوال دهخدا*، در مجموعه مقالات زندگی نامه علی‌اکبر دهخدا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۹۰)، *درگذشت دهخدا*، یاد آر ز شمع مرده یاد آر (کارنامه، نقد و تحلیل و گزیده اشعار علی‌اکبر دهخدا)، به کوشش سحر مازیار، تهران: سخن.
- هالیدی، فرد، (۱۳۵۸)، *دیکتاتوری و توسعه در ایران*، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدی قلی، (۱۳۶۳)، *گزارش ایران (بخش گزارش دوره قاجار و مشروطیت)*، به کوشش محمدعلی اهتمام، تهران: نقره.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، *جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر فارسی)*، تهران: جامی.
- یمینی، پرستو، (۱۳۸۴)، *نقش علی‌اکبر دهخدا در ادبیات سیاسی مشروطیت*، حافظ، شماره ۱۷.